

ریشارد گراملیش

طریقه‌های شیعی ایران

ذهبیّه، نعمت‌اللّهیّه و خاکساریّه

سلسله‌ها، عقیده و مذهب، سنن و آئین‌ها

ترجمه شیرین شادفر



سرشناسه	: گراملیش، ریشارد، مترجم Gramlich, Richard
عنوان و نام پدیدآور	: طریقه‌های شیعی ایران / ریشارد گراملیش، مترجم شیرین شادفر.
مشخصات نشر	: تهران: نامک، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۳ ج. در یک مجلد (۸۶۳ ص.)
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۱۷-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: عنوان اصلی: De schiitischen Derwischorden Persiens, 1981.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: تصوف -- فرقه‌ها
موضوع	: تصوف -- ایران
موضوع	: شیعه و تصوف
موضوع	: عرفان -- شیعه
موضوع	: شیعیان -- ایران
موضوع	: آداب طریقت
شناسه افزوده	: شادفر، شیرین، ۱۳۴۹ - ، مترجم
رده‌بندی کنگره	: BP ۲۹۰
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۷/۸۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۵۸۹۷۹

این کتاب ترجمه‌ای است از:
 Die schiitischen Derwischorden Persians
 Erster Teil: Die Affiliationen, 1965
 Zweiter Teil: Glaube und Lehre, 1976
 Dritter Teil: Brauchtum und Riten, 1981, Wiesbaden

تلفن: ۶۶۴۱۷۶۳۶

naamak.publication@gmail.com

نامک در زبان پهلوی (فارسی میانه) به معنای کتاب و نامه است.

@naamak.publication

naamak.publication



طریقه‌های شیعی ایران
 ذهبیه، نعمت‌اللهیه و خاکساریه
 نویسنده: ریشارد گراملیش
 مترجم: شیرین شادفر
 چاپ دوم: ۱۴۰۳ / شمارگان: ۵۰۰ نسخه
 لیتوگرافی: کارا / چاپ و صحافی: تاجیک

ISBN: 978-622-6670-17-3

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۷۰-۱۷-۳

تمامی حقوق برای نشر نامک محفوظ است.

تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است.

مرکز پخش: ماه مهر، ۶-۶۶۴۷۷۴۰۵، داخلی ۱

فهرست

۱۰۶	I. خصوصیات طریقه.	۹	مقدمه ناشر
۱۰۷	۱. سلطان جلال‌الدین حیدر.	۱۳	مقدمه مترجم.
۱۱۰	۲. قلندرگری		
۱۱۵	۳. انجمن‌های فتوت.		
۱۱۸	۴. اهل حق		
۱۱۸	۵. طریقه‌ها		
۱۲۰	II. سلسله نیاکان طریقه		
۱۲۳	III. قطب‌ها و مشایخ عصر جدید.		
۱۲۴	IV. نوشته‌های خاکساریه		
۱۲۸	پیوست		
۱۲۸	۱. صورت خانقاه‌های درویشان در ایران		
۱۳۰	۲. شمارگان اعضا.		
۱۳۲	۳. پراکندگی جغرافیایی.		
	۴. سندهای پذیرش برگرفته از رساله‌های خاکسار		
۱۳۳			

جلد ۲ - عقیده و مذهب

۱۳۷	پیشگفتار
	بخش یکم:
۱۴۱	خدا و دنیا
۱۴۱	الف. وحدت وجود
۱۴۲	۱. مقدماتی از آموزه قدیم‌تر
۱۴۴	الف) یگانه‌سازی مشاهده‌آمیز

جلد ۱ - سلسله‌ها

۱۴	پیشگفتار
۲۳	سه طریقه شیعه
۲۶	الف. سلسله ذهبیه
۲۶	I. نیاکان طریقه
۲۶	۱. پیامبر و امامان
۲۸	۲. قطب‌ها
۴۳	II. طریقه جدید
۴۹	الف) شجره شریفی
۵۰	ب) شجره وحیدالاولیاء
۵۳	ب. سلسله نعمت‌اللهی
۵۵	I. نیاکان طریقه
۵۷	II. طریقه جمعی
۷۳	دو شاخه اولیه
۷۴	۱. شاخه کوثر علیشاه
۷۸	۲. شاخه شمس‌العرفاء
۹۰	سه طریقه بزرگ نعمت‌اللهی زمان حال
۹۱	پیش‌یادآوری‌هایی درباره هریک از شاخه‌ها
۹۱	۱. شاخه ذوالریاستین
۹۵	۲. شاخه صفی‌علیشاهی
۹۹	۳. شاخه گنابادی
۱۰۶	ب. سلسله خاکسار

۷۶۲ (ب) مرتبه کسوت	۷۴۷ ۳. لسان
۷۶۲ ۱. آموزه	۷۴۸ ۴. فوج قربانی
۷۶۲ ۲. مراسم	۷۴۸ ۵. توبه
۷۶۴ ۳. کارهای پس از آن	۷۴۹ ۶. تشهد
۷۶۶ (ت) مرتبه گل سپردن	۷۵۰ ۷. بیعت
۷۶۷ (ث) مرتبه سر سپردن	۷۵۰ ۸. پنج منزل
۷۶۷ ۱. آموزه	الف) منزل شد و وصل (بستن و پیوستن)
۷۶۸ ۲. اشخاص	۷۵۰
۷۶۸ ۳. مکان مجلس	ب) منزل قاب قوسین
۷۶۹ ۴. مراسم	پ) منزل جهاز اشتر
۷۷۰ ۵. بی مجلس	ت) منزل قفل و کلید
۷۷۰ (ج) مرتبه چراغی گرفتن	ث) منزل وفا
۷۷۰ ۱. اشخاص	۹. تلقین بعد از غسل
۷۷۱ ۲. مراسم	۱۰. پیاله دادن
۷۷۲ (چ) مرتبه فقر و فنا	(۴) رسوم تکمیل کننده
۷۷۳ سخن انجامین	۱. تلقین ذکر
۷۷۵ کتابنامه	۲. خاکنامه
	۳. اسم دادن

مقدمه ناشر

پایه تألیف کتاب حاضر به زمان تحصیل مؤلف در ایران برمی‌گردد که مقدر بود با صوفیان و طرز زندگی و اندیشه‌های آنها آشنا گردد. از آنجا که او در تألیفات شرق‌شناسان جای اثری درباره درویش‌گری ایرانی را خالی یافت، بر آن شد در کاری «علمی» به این موضوع بپردازد. او خود در مقدمه توضیح داده که تا آنجا که توانسته، تمام کوشش خود را کرده تا اطلاعاتی صحیح و موثق در اختیار خوانندگان خود قرار دهد. در این کتاب ردی از اظهارنظر شخصی و جانبداری یا رد توأم با تعصب و غرض دیده نمی‌شود. مؤلف در بخش اصلی کتاب که درباره دنیای اندیشه‌های درویشان و مقایسه آن با افکار و عقاید صوفیان گذشته است، هم به ذکر آرای موافق پرداخته و هم نظرات مخالف را شرح داده، و در هر وهله ایرادهای وارد به طرز فکر و نحوه عمل هم صوفیان گذشته و هم پیروان طریقه‌های شیعی کنونی را آورده که خود گواه بی‌طرفی او نسبت به موضوع و علمی بودن اثرش است. وانگهی با توجه به این نکته که او نه از اعضای طریقه‌ها بوده و نه طی تحقیقاتش به آنها گرویده، خود دلیلی است که به روشنی معلوم می‌دارد که هدف از تألیف این کتاب نه جانبداری و تبلیغ تصوف بلکه صرفاً ارائه تحقیق علمی در زمینه مزبور بوده است. شایان ذکر است که این کتاب در شصت سال پیش نگاشته شده و از آن زمان تاکنون تغییرات عمده‌ای در طریقه‌های تصوف صورت گرفته است.

قصده ناشر و مترجم از اقدام به ترجمه و چاپ این کتاب نیز برآمده از همان حسی است که مؤلف را به نگارش آن برانگیخت: ارائه اثری علمی و واقع‌بینانه در زمینه طریقه‌های شیعی ایران به مخاطبان، به ویژه پژوهشگران فارسی‌زبان. به هر حال، چه با تصوف و درویشگری موافق باشیم، چه مخالف، اینها دیدگاهی است که جزئی از تاریخ این مرز و بوم و درویشان بخشی هرچند کوچک از جامعه ایران را تشکیل می‌دهند، بخشی که وجودشان در مواردی به هر حال خالی از تأثیرات اجتماعی نبوده است؛ از این لحاظ، سزاوار است که مورد تحقیق و پژوهش علمی مبتنی بر منابع موثق قرار گیرند. این کتاب بی‌تردید منبعی قابل اطمینان در این زمینه به شمار می‌رود.

بر این اساس، امید است این کوشش که آن را خرده‌خدمتی به فرهنگ و تاریخ این سرزمین می‌دانیم، تبلیغ و ترویج یا جانبداری از تصوف و درویش‌گری قلمداد نشود، آنچه فرسنگ‌ها از

اندیشه و هدف ناشر و مترجم به دور بوده و به دور است، همان‌گونه که به اندیشه مؤلف هم راه نداشته و انگیزه تألیف این اثر نیز نبوده است.

تصوف به عنوان بجا آوردن آداب و رسوم خاص برای رسیدن به خدا در قرآن و شرع مقدس اسلام نیامده است. تصوف در ابتدا عبارت بود از همدی مفرط و خشن که عبادت‌های طاقت‌فرسا و گوشه‌نشینی را با خود داشت که امامان معصوم (ع)، از همان ابتدا با همین نوع آن به دلیل منافات با روح اسلام به مخالفت برخاسته و صراحتاً آن را رد کردند. تصوف رفته رفته با درآمیختن با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم فرقه‌ها و ادیان مختلف دیگر اعم از بودایی، زردشتی، مانوی، مسیحی، برهمایی، یهود و اسلام به شکل دیگری مثل فقر، خرقه‌پوشی و ریاضت‌های طولانی که از آداب هندوها هست درآمد. (ماللهند، ج ۱، ص ۲۵)

اولین صوفی عثمان‌بن شریک کوفی مشهور به ابوهاشم کوفی یا ابوهاشم صوفی است که در قرن دوم می‌زیست، امام صادق (ع) در مورد او فرمودند: همان او (ابوهاشم) انسانی است که جداً عقیده فاسدی دارد و اوست که از روی بدعت، مذهبی را به نام تصوف بنا نهاد و آن را مفری برای عقیده فاسد خود قرار داد. (حدیقه‌الشیعه، ص ۵۶۴)

کیوان قزوینی که ۳۲ سال نزد فریق درویشی بود تا به منصورعلیشاه ملقب شده و بعدها توبه کرد، می‌گوید: اولین کسی که زیر بار این ننگ و بدعت رفت، ابوهاشم کوفی بود که رنج‌ها به خود داد تا عزاده صوفی به راه افتاد. (استوارنامه، ص ۲۲۹)

یکی از گونه‌های عرفان، عرفان شیعی است، دو اینکه اینگونه عرفان وجود دارد یا نه اقوال مختلفی ذکر شده است. یکی از کسانی که به عرفان شیعی اعتقاد دارد، مرحوم شهید مطهری است که در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران می‌نویسد: همواره خصوصاً در میان شیعه عرفایی بوده و هستند که هیچ امتیاز ظاهری با دیگران ندارند و در عین حال اهل سیر و سلوک عرفانی می‌باشند و در حقیقت عرفای حقیقی این طبقه‌اند، نه گروه‌هایی که صدها آداب از خود اختراع کرده و بدعت‌ها ایجاد کرده‌اند. (ص ۶۲۹، صدرا، تهران، ۱۳۶۲).

عرفان شیعی تمام اعمال و رفتار و سلوکش برگرفته از متن قرآن و سنت اهل بیت (ع) است در حالی که متشبثین به عرفان و تصوف چیزهایی را از جانب خود باب کرده‌اند که در شریعت اسلام نیامده و بعضاً خود را بی‌نیاز از شریعت می‌دانند. صوفیان می‌گویند پس از اینکه از شریعت به حقیقت رسیدند، دیگر پایبندی به شریعت لازم نیست. عارف بزرگ ملاحسینقلی همدانی می‌فرماید: مخفی نماند بر برادران دینی که به جز الزام به شرع شریف در تمام حرکات و سکنات و تعلّمات و لحظات و غیرها راهی به قرب حضرت ملک‌الملوک جلّ جلاله نیست. (برنامه سلوک در نامه‌های سالکان، ص ۹۷)

خانقاه یکی از بدعت‌های صوفیه است. ما در اسلام برای عبادت مسجد داریم. پیامبر (ص) می‌فرماید: رفت و آمد به مسجد رحمت است و خودداری از رفتن به مسجد نفاق است. (کنزالاعمال، ص ۵۷۰) ولی صوفیه به دلیل عقاید و رفتار اختراعی از مسجد کناره گرفتند و ناچار شدند مکانی را به نام خانقاه برای اذکار و عبادات خود برگزینند. در قرآن کریم و مجموعه آموزه‌های اسلامی، مکانی به نام خانقاه که برای عبادت تعریف شده باشد وجود ندارد. خانقاه از آن جهت که در مقابل مسجد مطرح شد، باعث دوری عده‌ای از مسلمانان از مسجد و بروز فرقه‌گرایی گردید.